

## بررسی تحلیل گفتمان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

الهه باقری<sup>۱</sup>، فرزانه باقری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی آموزش ابتدایی، آموزگار مقطع ابتدایی، آموزش و پرورش شهرستان رستم  
<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد علوم تربیتی، آموزگار مقطع ابتدایی، آموزش و پرورش شهرستان رستم

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی تحلیل گفتمان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هست به رغم گام های بلندی که در سه دهه گذشته، برای بازسازی نظام تعلیم و تربیت کشور و استوارسازی آن بر پایه اندیشه های ناب اسلامی و آرمان ها و رویکردهای انقلاب اسلامی برداشته شده است. همچنان فرهنگ و تربیت کشور ما در جهت پاسخگویی به نیازهای اساسی و گره گشایی مشکلات اجتماعی با آسیب ها و چالش های جدی مواجه بوده و می باشد. مهمترین عامل انتقال فرهنگ اسلامی و مسئول آماده سازی دانش آموزان برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد - تربیت یافتگان این نظام شایستگی های لازم برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را براساس نظام معیار اسلامی کسب می کنند. بایدها و نبایدهای اساسی است که لازم است تمام اجزاء و مولفه های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی هماهنگ با آنها بوده و همه سیاست گزاران و کارگزاران پای بند به آنها باشند این ارزشها براساس آموزه های قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم، قانون اساسی - رهنمودهای رهبر کبیر حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری و سیاست های کلی تحول نظام آموزشی تهیه شده است. در واقع مراد از تحول بنیادین در آموزش و پرورش فراهم آوردن زمینه تحول عمیق ریشه ای همه جانبه، نظام مند و کل نگر، آینده نگر، مبتنی بر آموزه های وحیانی و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی می باشد. برای دستیابی به این هدف از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته خواهد شد.

**واژه های کلیدی:** تحول بنیادین، تحلیل گفتمان، آموزش و پرورش، معلم، تعلیم و تربیت.

**گفتار اول: مقدمه**

وزارت آموزش و پرورش مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت های تعلیم و تربیت، قوام بخش فرهنگ عمومی و تعالی بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده نهادها و سازمانهای دولتی و غیردولتی است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: تحقق ارزشها و آرمان های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیرساخت های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است. تحقق آرمان های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسانهای عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی - ایرانی باشد. در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات آن به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش، کوشش شد تا با الهام از اسناد بالادستی و بهره گیری از ارزشهای بنیادین آن و توجه به هدفهای راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و هدف های تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود<sup>۱</sup>. سند تحول بنیادین به عنوان نقشه و قانون اساسی آموزش و پرورش جهت رسیدن به اهداف عالی تعلیم و تربیت بر اساس آموزه های دینی و اسلامی تهیه شده است در این سند به تربیت دینی در کنار سایر جنبه های تربیت توجه شده است.<sup>۲</sup> در واقع فرایند تعلیم و تربیت، امری زمان بر و دیر بازده است که در طولانی مدت به بار می نشیند. مخاطبان نهاد آموزش و پرورش، کودکان و نوجوانانی هستند که آنچه را امروز فرا می گیرند، فردا در رفتار و افکار خویش متجلی می سازند. در نتیجه فعل و انفعالات آموزشی و تربیتی امروز بر چگونگی شکل گیری فرداهای دور و نزدیک تأثیر می گذارد. به همین دلایل، امروزه نهادهای آموزشی در اکثر کشورهای جهان با مسئله تدوین و اجرای برنامه های راهبردی تحول آفرین دست و پنجه نرم می کنند (نوید ادهم<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲ ص ۲۹۷). تغییر و تحول در ساختار، برنامه ها، هدف ها و روشهای همه سازمان های اجتماعی، به ویژه آموزش و پرورش، در فرآیند توسعه ضرورتی اجتناب ناپذیر است (تورس، ۱۹۹۸) که به عنوان یکی از نقاط قوت این سند می باشد. بنابراین ما در آموزش و پرورش احتیاج به تحول داریم و بهترین و برجسته ترین فکرها باید بنشینند برای آموزش و پرورش طراحی کنند، باید فلسفه آموزش و پرورش اسلامی واضح باشد و براساس این فلسفه افق آینده آموزش و پرورش کشور روشن باشد. معلوم باشد ما دنبال چه هستیم و کجا می خواهیم برویم و براساس آن خط کشی بشود، برنامه ریزی بشود و راهها مشخص بشود<sup>۴</sup>.

**گفتار دوم: پیشینه پژوهش**

در پیشینه علمی و فرهنگی ما، از گذشته های دور واژه «تربیت» شامل تمام ابعاد و اجزای فرایندی است که زمینه تحول اختیاری و آگاهانه آدمی را فراهم می کند. لذا نه تنها به لحاظ گستره مفهومی نیاز به واژه مکملی مانند تعلیم ندارد، بلکه به نظر می رسد استفاده از هر گونه واژه ای در عرض این کلمه (به صورت ترکیب عطفی) موهم تقلیل این مفهوم گسترده به

<sup>۱</sup> - بذرافشان مقدم، مجتبی، شوقی، مریم، رحمان خواه، راحیل، جایگاه نظارت و راهنمایی تعلیماتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۴.

<sup>۲</sup> - عیسی پور، علی اصغر، دانشجوی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز همدان، بررسی و نقد تربیت دینی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اولین کنفرانس بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.

<sup>۳</sup> Navid Adham

<sup>۴</sup> - بیانات مقام معظم رهبری ۱۲ / ۲ / ۱۳۸۵.

بخش هایی از آن و نیز باعث نگرش تفکیکی به این فرایند یک پارچه و درهم تنیده خواهد شد.<sup>۱</sup> یکی از مسائل مهم نظام نوین تربیت در کشور ما این است که نهاد های مختلف این نظام، طی مراحل بنیان گذاری و گسترش و تحول تاکنون، بر مبنای نظری مشخص و مدونی استوار نبوده اند تا بتوانند ضمن بهره مندی از دستاوردهای معتبر علمی، با نظام فکری و ارزشی معتبر و مقبول در جامعه اسلامی ایران و نیز با دیگر خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و بومی کشور، هماهنگ و سازگار باشند (نفیسی، ۱۳۷۸)، (باقری، ۱۳۸۰). تحقیقات و پژوهشهای زیادی در این زمینه انجام گرفته که به تعدادی از آنها اشاره خواهیم کرد: مبنای نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰؛ مجتبی بذرافشان مقدم، مریم شوقی، جایگاه نظارت و راهنمایی تعلیماتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۴؛ مهدی صبحانی نژاد، علی مقدم زاده، حسن نجفی، تبیین عوامل مفهومی فرهنگ ایثار و شهادت و تحلیل جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، ۱۳۹۴؛ پونه پیروانی نیا، پگاه پیروانی نیا، تحلیل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نظر میزان اهمیت به یادگیری سازمانی، ۱۳۹۲؛ احمد قیومی، تحلیل گفتمان انتقادی تحول در آموزش و پرورش، ۱۳۹۴.

### گفتار سوم: مفهوم شناسی

#### سند

«سند» حاوی دستوراتی است که در اجرا به کار می آید و مشتمل بر آیین و مقرراتی است که فقط رعایت آنها به نتیجه ی مثبت و دقیق کار می انجامد «سند ملی» به معنای سندی است که در سطح کلان نظام کاربرد دارد و «سند برنامه ی درسی ملی» به سادگی یعنی، مجموعه ی معیارها و ملاک هایی که به طور هماهنگ و منسجم در تهیه و تولید همه ی برنامه های درسی کشور ملاک عمل قرار می گیرند؛ و بنا بر یافته های پژوهشی معتبرند. به عبارت دیگر «سند برنامه ی درسی ملی»، نقشه ی کلانی است که سیاست ها و خط مشی های ناظر بر برنامه ی درسی کشور را ضمن تعیین هدف ها (انواع دارد)، استانداردها و انتظارات آموزشی تعیین و منطق، ضرورت، چرایی و چونی هر یک از مؤلفه ها را به استناد دلایل و منطق پژوهشی تبیین می کند.<sup>۲</sup>

#### سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین از متون مهم و راهبردی و به عنوان «سند بالادستی» در تعیین برنامه ها و خط مشی های وزارت آموزش و پرورش می باشد که در بند ۷۵ سیاست های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری نیز مورد تاکید قرار گرفته است. از اجرای این سند ۴ سال می گذرد. با توجه به نقش مهم آن، انتظار می رود تا معلمان به ارزیابی و نقد این سند بپردازند.<sup>۳</sup>

#### تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت یک حق اجتماعی و انسانی است که باید کودکان و نوجوانان از آن برخوردار شوند. تربیت، مراقبت از جریان رشد است در واقع تربیت متعادل کردن انسان است. تعلیم و تربیت سیستمی می خواهد که آدم را متعادل بار بیاورد. در تعریفی دیگر تربیت رشد هماهنگ ابعاد وجودی است. مسئله ای که امروزه خیلی روی آن تکیه می کنند، این است که باید تربیت، فعلیت بخشیدن به استعداد های بالقوه باشد کار تربیت مساعد کردن شرایط برای بروز استعدادها است.<sup>۴</sup> تعلیم و تربیت فرایندی تعالی جویانه، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای

<sup>۱</sup>- ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳.

<sup>۲</sup>- فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.

<sup>۳</sup>- حمید مصطفی نژادیان، نگاهی بر " سند تحول بنیادین " آموزش و پرورش، ۱۳۹۴.

<sup>۴</sup>- گفتگو با احمد صافی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛ از تهیه تا اجرا، ۱۳۹۴.

تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل گیری و پیشرفت جامعه اسلامی فراهم می آورد.

### نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته که به عنوان مهم ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده سازی دانش آموزان جهت تحقق مرتبه ای از حیات طیبه در همه ابعاد را برعهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد. دستیابی به این مرتبه از آمادگی برای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش آموزان ضمن ملاحظه ویژگی های فردی و غیر مشترک و نیز در راستای شکل گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح اسلامی مستلزم آن است که تربیت یافتگان این نظام شایستگی یهای لازم برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را براساس نظام معیار اسلامی کسب نمایند.

### معلم و مربی

معلم و مربی (که مترادف هم بکار رفته است) به فردی اطلاق می شود که رسالت خطیر تربیت دانش آموزان را در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر عهده دارد.

### شایستگی

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز یکی از مفاهیم کلیدی، مفهوم شایستگی است. «رسیدن به مراتب حیات طیبه مستلزم کسب شایستگی های پایه دانسته شده است»<sup>۱</sup> منظور از شایستگی های لازم، مجموعه ای ترکیبی از صفات، توانمندی ها و مهارت های فردی و جمعی (نظیر تعقل، معرفت، ایمان، اراده و تقوا) ناظر به تکوین و تعالی هویت در تمام شئون زندگی و تمام مؤلفه های جامعه صالح است که مربیان در جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل برای بهبود مستمر آن در راستای آماده شدن برای تحقق مراتب حیات طیبه باید آن ها را کسب کنند.<sup>۲</sup>

### حیات طیبه

وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار اسلامی است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب الی الله خواهد شد. ای نگونه زندگانی مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطی با او در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی است که باید بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و آزادان هی نظام معیار مناسب با دین اسلام باشد (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش).

### گفتار چهارم: تحول بنیادین آموزش و پرورش

یک مسئله مهم مسئله ی تحول بنیادین آموزش و پرورش است. آنچه مهم است این است که در باب این تحول بنیادین، اصل اینکه نظام آموزش و پرورش ما احتیاج به یک تحول دارد این را همه پذیرفته اند. این نظام قدیمی آموزش و پرورش در کشور، اگر هیچ عیب دیگری هم نداشت، همین که با گذشت زمان هیچ نوآوری در آن به وجود نیامده بود، کافی بود که انسان آن را رد کند و معتقد باشد به تحول بنیادین. این سند تحولی هم که خوشبختانه دو سه سال پیش فراهم شد و ابلاغ شد و بر اساس آن برنامه ریزی شد، از نظر کارشناسان زنده و برجسته ی آموزش و پرورش، یک سند خوبی است، آنهایی که اهل این کارند، خبره ی این کارند، این سند را تأیید می کنند؛ می گویند سند تحول بنیادین که با ساعتها کار، با زمانهای طولانی و

<sup>۱</sup> - دکتر مهدی فیض، مفهوم شایستگی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۴.

<sup>۲</sup> - مبانی نظری و فلسفه تعلیم و تربیت، آذر ماه ۱۳۹۰.

با تلاش فراهم شده است، همه کمک کرده‌اند که این سند بحمدالله فراهم شد و ابلاغ شد، این را کارشناس‌ها و خبره‌های آموزش و پرورش تأیید می‌کنند و می‌گویند سند بسیار متقن و مهمتی است. پس این سند باید اعمال بشود. البته از این‌جور چیزها، منتظر نتایج زودبازده نباید بود، اینها چیزهایی نیست که ظرف یک‌سال و دو سال و پنج‌سال نتایجش ظاهر بشود؛ اینها چیزهایی است که صبر و حوصله لازم دارد، کار لازم دارد، کار مستمر لازم دارد.<sup>۱</sup>

### گفتار پنجم: نگاه سند تحول بنیادین به مقوله تربیت دینی

در طول تاریخ و برای همه ملل موضوع تعلیم و تربیت مهمترین موضوع بوده است، نگاهها به تعلیم و تربیت گوناگون است، حتی کسانی که به دنبال فتح و سیطره بر دنیا و گستردن بساط استکبار و چپاول ملتها و انسانها هستند، برای آنها نیز تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش مسئله محوری و کلیدی است، چه برسد برای ملت‌هایی که دارای آرمانهای بزرگ، مکاتب‌رهایی بخش و انسان‌ساز هستند. تعلیم و تربیت مهم است، چونکه موضوع آن انسان است که مهمترین موضوع عالم هستی است، یعنی مهمترین موضوعی که خداوند خلق کرده انسان است و هراتفاقی بخواهد درعالم هستی بیفتد نتیجه اتفاقاتی است که برای انسان و در درون انسان رخ می‌دهد. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما به قوم حتی یغیر ما به انفسهم» (سوره رعد، آیه ۱۱). هراتفاق بیرونی نتیجه تغییر و به نتیجه رسیدن موضوع انسان بیان شده است. هر مسئله‌ای که به انسان مربوط باشد مهم است به خصوص مسئله‌ای که به انسانیت و حقیقت انسان برمی‌گردد و موضوع تعلیم و تربیت انسان و حقیقت آن است. اولین هدف تعلیم و تربیت، ساختن انسانهاست و ساختن انسان چیزی نیست که بشود به او تحمیل کرد، بلکه برداشتن موانع است. خدای متعال همه استعدادهای الهی شدن را در دل انسانها قرار داده است؛ اما موانع غفلتها و موانع اجتماعی سر راه این تکامل وجود دارد. هنر تعلیم و تربیت این است که این موانع را رفع نماید تا انسان بتواند حرکت کند و خودش را بشناسد و تحمیلی هم درکار نیست، اصلاً نمی‌شود اخلاق انسانی و ارزشهای الهی را با تحمیل جا انداخت و در وجود کسی نهادینه کرد. در سند تحول بنیادین به مقوله تربیت دینی از دو منظر مبانی و ساحت‌ها پرداخته شده است:

#### ۱- مبانی اساسی تربیت:

۱. مبانی هستی‌شناختی: بخشی از گزاره‌های توصیفی تبیینی درباره خداوند و دیگر عناصر هستی است که در مباحث جهان بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی بطور مدلل مطرح شده یا مفروض قرار گرفته.<sup>۲</sup>
  ۲. مبانی انسان‌شناختی: آن دسته از گزاره‌های توصیفی تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از تعلیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی در مقام توصیف خصوصیات عموم افراد استخراج شده‌اند.
  ۳. مبانی معرفت‌شناختی: منظور از مبانی معرفت‌شناختی در این مجموعه بخشی از گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است.
  ۴. مبانی ارزش‌شناختی: مباحثی درباره ماهیت ارزش‌ها و نحوه درک و اعتباربخشی آن‌ها و نیز بخشی از گزاره‌های مربوط به بیان مصادیق ارزش‌های معتبر و چگونگی تحقق آنها بر اساس نظام معیار مقبول در جامعه اسلامی (مبانی و ارزش‌های مبتنی بر دین حق یا سازگار با آن) است.
  ۵. مبانی دین‌شناختی: این دسته از مبانی صرفاً به مباحثی درباره دین می‌پردازند که در حیطه دانش فلسفی مضاف فلسفه دین یا بعضاً در حوزه مباحث کلام جدید قرار می‌گیرند.
- ۲- ساحت‌های شش‌گانه تربیت:

<sup>۱</sup> - بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۴.

<sup>۲</sup> - شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۴۹، ۱۳۹۰.

۱. **تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی:** ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است، ناظر به رشد و تقویت مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طبیعه در وجود متریبان و شامل همه تدابیر و اقداماتی که جهت پرورش ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری متریبان نسبت به مجموعه ای از باورها، ارزش ها، اعمال و صفات اعتقادی عبادی و اخلاقی و در راستای تکوین و تعالی هویت دینی و اخلاقی ایشان صورت می پذیرد. لذا قلمرو ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی پیامبر (ص) (ائمه معصومین (ع) و پیروی از ایشان است که به حق برترین انسان های کامل در طول تاریخ هستند<sup>۱</sup>.

۲. **ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی:** ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی هایی است که متریبان را قادر می سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند؛ مانند: ارتباط مناسب با دیگران، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی، رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش های اجتماعی، بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی.

۳. **ساحت تربیت زیستی و بدنی:** ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متریبان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است. قلمرو این ساحت (پرورش قوای بدنی و تأمین سلامت جسمی (موارد زیر را پوشش می دهد: تربیت جنسی، سلامت فردی و اجتماعی) تأمین نیازهای اساسی، حفظ شادابی در زندگی، برخورداری از رفاه و سلامت، استفاده از تفریحات سالم و اوقات فراغت، مراقبت از جسم و روح و پاکیزگی و آراستگی فردی، بهداشت زیست محیطی<sup>۲</sup>.

۴. **ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری:** ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی شناختی متریبان است.

۵. **ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای:** ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بعد اقتصادی و معیشتی انسان هاست. این ساحت ناظر به رشد توانایی های متریبان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه ای است مانند: درک و مهارت حرفه ای، التزام به اخلاق حرفه ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت.

۶. **ساحت تربیت علمی و فناوری:** بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به کسب شایستگی ها، صفات و توانمندی ها و مهارت هایی است که متریبان را در شناخت و بهره گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متریبان قادر شوند، با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت بینشی ارز شمند کسب کنند.

### گفتار ششم: عوامل سهیم و مؤثر در تربیت

#### عوامل سهیم

انجام فعالیت های تربیتی (یعنی زمینه سازی مناسب برای هدایت افراد به سوی تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش) در فهرست کارکردهای این دسته عوامل اجتماعی صریحاً در نظر گرفته شده است. لذا، آن ها عوامل اصلی فرایند تربیت در اجتماع محسوب می شوند. هر چند این عوامل در نوع تربیت مورد نظر (عمومی، اختصاصی، رسمی و غیررسمی) و در نتیجه در خصوص مخاطبان، در اهداف و وظایف، رویکرد و محتوا و روش های تأثیرگذاری بر متریبان تفاوت های قابل ملاحظه ای با هم دیگر دارند. در بین این عوامل، برخی از آن ها، تربیت را تنها کارکرد اصلی و رسالت سازمانی خود قرار داده اند (مؤسساتی مانند: مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه که غرض اصلی اجتماع از تأسیس و تداوم فعالیت آن ها، انجام فعالیت تربیتی در سطوح

<sup>۱</sup> - شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۲۹۹، ۱۳۹۰.

<sup>۲</sup> - شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۳۰۵، ۱۳۹۰.

متفاوت است؛ ولو آن که پیامدهای فرعی دیگری نیز برعمل آن ها مترتب شود؛ اما بعضی دیگر از عوامل تربیت، نهادهایی اجتماعی با کارکرد های متعدّدند (نظیر خانواده، رسانه، مسجد و دیگر نهادهای فرهنگی) که با توجه به امکانات و ظرفیت های خود، می توانند و بلکه باید، نقش مؤثری را نیز در فرایند تربیت به این گروه از نهادهای اجتماعی، «عامل فرایند تربیت» برعهده گیرند. بنابراین، اطلاق عنوان منوط و محدود به حیثیت نقش آفرینی عملی آن ها در این فرایند است و لذا می توان و بلکه باید آن ها را از حیثیتی دیگر نیز جزء عوامل مؤثر بر تربیت دانست<sup>۱</sup>.

### عوامل مؤثر

مداخله مستقیم در امر تربیت، از زمره کارکردهای این دسته از عوامل اجتماعی به شمار نمی آید؛ اما به سبب ایفای نقش اساسی در فراهم نمودن دیگر مقدمات تحقق حیات طیبه در ابعاد گوناگون برای احاد اجتماع، یا به دلیل تأثیرپذیری عمل مربیان و متربیان و فرآیند تربیت از این عوامل اجتماعی (به نشانه محیط بیرونی)، در چگونگی تحقق فرایند تربیت و موفقیت آن اثرگذارند. البته به لحاظ نقش و جایگاه متفاوت این عوامل در زندگی اجتماعی و برحسب میزان ونحوه ارتباط آن ها با عوامل و مؤلفه های سهیم در فرایند تربیت، طبیعی است که تأثیر این عوامل برکامیابی یا ناکامی فرایند تربیت یک سان نباشد. به هر حال عوامل اجتماعی مؤثر بر فرایند تربیت، طیف وسیعی از نهادها، سازمان ها، بنگاه ها و گروه های رسمی یا غیررسمی فعال در جامع هرا در بر می گیرند که اهم آن ها عبارت اند از:

- \* **نهاد سیاست** (حکومت و نظام سیاسی)، شامل: رهبری، دولت (قوة مجریه)، قوه مقننه، قوه قضائیه و همه سازمان ها و نهادهای تابع آن ها (شامل قوای نظامی و انتظامی)؛
  - \* **نهاد دین** (مراجع و مراکز علوم دینی، روحانیون و مبلغان مذهبی، مساجد و دیگر مؤسسات وتشکلهای دینی و مذهبی)
  - \* **نهاد فرهنگ** (که به سبب گستردگی مفهوم فرهنگ چندین نهاد مهم به آن اختصاص یافته است). **نهاد تولید علم، پژوهش و فناوری** (دانشگاه ها و مؤسسات علمی پژوهشی، فرهنگستان ها و پارک های علم و فناوری)، **نهاد هنر** (مراکز هنری، موزه ها و فرهنگسراها) و **نهاد رسانه**، شامل رسانه های مکتوب (کتب و نشریات)، رسانه دیداری شنیداری (رادیو و تلویزیون) و رسانه های مجازی (فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات)؛
  - \* **نهاد خانواده**، شامل پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده، بستگان؛
  - \* **نهاد جامعه محلی**، شامل دوستان، همسایگان و هم سالان؛
  - \* **نهادهای مدنی** (که به شکل غیر دولتی - ولو با نوعی حمایت از سوی دولت- سامان یافته اند و اداره می شوند)، شامل شوراها، احزاب، انجمن ها، اتحادیه ها و دیگر سازمان ها وتشکلهای صنفی، علمی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی؛
  - \* **نهاد اقتصاد**، شامل بخشهای کشاورزی، صنعت، تجارت و خدمات؛
  - \* **نهاد تأمین خدمات عمومی و رفاه اجتماعی**، شامل شهرداری ها و دهرداری ها، سازمان
  - \* **بهبیستی و نهادهای حامی افراد محروم**، مؤسسات بیمه و نهادهای خیریه و عام المنفعه؛
  - \* **نهاد سلامت و تندرستی**، شامل بخش های بهداشت و درمان، ورزش و تفریحات سالم، حفظ محیط زیست و ایمنی.
- اما نکته مهم درباره همه عوامل اجتماعی مؤثر بر تربیت آن است که سیاست گذاران و کارگزاران این مؤسسات و نهادهای اجتماعی، هم با ارائه دلایل موجه و عقلانی نسبت به نقش و جایگاه ویژه فرایند تربیت در عرصه اجتماع و کلیدی بودن آن به منزله مهم ترین زمینه تحقق حیات طیبه، قانع شوند و هم به این باور برسند که هر گونه موفقیت نهادهای اجتماعی در کارکرد های خاص خود، مستلزم توفیق فرایند تربیت اند. در این صورت، عوامل مؤثر بر تربیت، با مشارکت و تعامل سازنده با یکدیگر و دادن سمت و سوی تربیتی به فعالیت های خود، به پشتیبانی و حمایت همه جانبه از عوامل سهیم در تربیت خواهند آمد و با

<sup>۱</sup> - مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۶۹، آذرماه ۱۳۹۰.

تلاش جهت رفع موانع و محدودیت های موجود در مسیر توفیق فرایند تربیت، به طور غیر مستقیم باعث موفقیت خود و سایر نهادهای اجتماعی برای تمهید دیگر مقدمات تحقق حیات طیبه خواهند شد. به این ترتیب، مصالح تربیتی به طور طبیعی (بدون نیاز به صدور بخشنامه و نظارت قانونی) در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های اجتماعی، به منزله مهم ترین ملاک، مورد نظر قرار خواهند گرفت و کمک به فرایند تربیت، یکی از مهم ترین معیار ها برای تعیین اولوی تهای فعالیت همه عوامل اجتماعی مؤثر بر تربیت محسوب خواهد شد.<sup>۱</sup>

### گفتار هفتم: هدف های کلان در تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۱- تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد - متعهد به مسئولیت ها - عاقل - حقیق جو - عدالت خواه - صلح جو - قانون مدار و ...
- ۲- ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور.
- ۳- گسترش و تأمین همه جانبه عدالت آموزشی و تربیتی.
- ۴- برقراری نظام اثر بخش و کارآمد مدیریت و مدیریت منابع انسانی بر اساس نظام معیار اسلامی.
- ۵- افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
- ۶- بهسازی و تحول در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی، مالی و اداری و زیرساخت های کالبدی.
- ۷- ارتقای اثر بخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
- ۸- کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی.

### گفتار هشتم: نقش اساسی انسان در تکوین و تحول هویت ناتمام و پویای خود

انسان با داشتن فطرت الهی، برخورداری از قابلیت عقل و استعداد های طبیعی و تأثیر پذیری نسبی از عوامل محیطی و وراثتی، در اثر درک موقعیت های مختلف و مواجهه اختیاری با آن ها، به طور کلی «هویت» تدریج واقعیتهای مشخص و سیال می یابد که از آن با نام هویت یاد می شود برآیند تعامل اختیاری آدمی با مجموعه ای از عوامل و موانع مؤثر بر وجود اوست که در قالب ترکیبی از بینش ها، باورها، گرایش ها، تصمیمات، اعمال مداوم (فردی و جمعی) و آثار تدریجی آن ها به تدریج در درون خود فرد شکل می گیرد و به همین منوال متحول می گردد. از این رو در نتیجه، هویت متمایز هر انسان، در نهایت محصول اکتساب برخی صفات و توانمندی ها و مهارت ها، توسط خود اوست و از این رو، نه تنها امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه حاصل تلاش و توفیق شخص در پرتو اراده و عنایات الهی و البته تا حدودی متأثر از شرایط خواسته و ناخواسته و آگاهانه یا ناخود آگاه حاکم بر زندگی فرد است. لذا هویت هر شخص، واقعیتهای تدریجی، پویا و ناتمام در دو بعد فردی و جمعی است که در نهایت با حضور اختیاری انسان در موقعیت های فردی و اجتماعی گوناگون (و متأثر از نحوه درک و تغییر آن ها) در طی زندگی این دنیا به تکوین و تحول می رسد و در حیات اخروی نیز تداوم می یابد. بنابراین تحقق و تحول هویت فردی و جمعی انسان، بیش از هر چیز به جریان منحصر به فرد زندگی فردی و اجتماعی هر شخص و معرفت، باور، اراده و اعمال اختیاری (فردی و جمعی) خود او وابسته است. یعنی هر شخص در روند شکل گیری و تغییر پیوسته هویت خویش تا حدود زیادی آزاد و لذا نسبت به آن مسئول است.<sup>۲</sup>

### گفتار نهم: گزاره های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

- ۱- آموزه های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و ائمه معصومین (علیهم السلام) به ویژه امام زمان (عج) و ولایت مداری در تمام ساحت ها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی). تبصره: اقلیت های مذهبی مصرح در قانون اساسی بر اساس قوانین موضوعه اقدام خواهند کرد.

<sup>۱</sup> - مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۷۰، آذرماه ۱۳۹۰.

<sup>۲</sup> - مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۱۹، آذرماه ۱۳۹۰.



- ۲- آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، به عنوان مهمترین رسالت منتظران در عصر غیبت.
- ۳- میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه.
- ۴- فرآیند تعلیم و تربیت در تمام ساحت‌ها شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناوریانه منطبق بر نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزش‌های برگرفته از قرآن کریم، سنت حضرات معصومین (علیهم السلام) و عقل) که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد.
- ۵- زمینه‌سازی کسب شایستگی‌های پایه - با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی - ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی.
- ۶- هویت شناخت‌مدار و واقع‌نمایی و معنای گسترده، جامع و منسجم معرفت (وحيانی، عقلانی، نقلی و تجربی).
- ۷- نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرآیند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
- ۸- بصیرت و تعالی در زمینه‌های گوناگون عبادی - اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی.
- ۹- کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، ۱۰- خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری، سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده.
- ۱۱- تکوین و تعالی جنبه‌های انسانی هویت دانش‌آموزان برای تقویت روابط حق محور، عدالت‌گستر و مهرورزانه با همه انسان‌ها در سراسر جهان.
- ۱۲- منزلت علم نافع، هدایت‌گر و توانمندساز و مقام و جایگاه عالم و معلم.
- ۱۳- پرورش، ارتقا و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت.
- ۱۴- ارتقاء جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
- ۱۵- نقش تربیتی اماکن مذهبی، نهادهای مردمی، اجتماعی و رسانه.
- ۱۶- عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی.
- ۱۷- جایگاه و نقش تعلیم و تربیتی نهاد رسانه و فناوری‌های ارتباطی و بهره‌گیری هوشمندانه از آن و مواجهه فعال و آگاهانه جهت پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نامطلوب آن.
- ۱۸- توجه توأمان به منافع و مصالح فردی و اجتماعی در چارچوب منافع و مصالح ملی.
- ۱۹- صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی با محوریت هویت مشترک اسلامی - ایرانی
- ۲۰- وطن‌دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی - ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی.
- ۲۱- تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی به عنوان زبان مشترک
- ۲۲- استمرار فرهنگ اسلامی - ایرانی از طریق ارزیابی آگاهانه آن و تعامل نقادانه با سایر فرهنگ‌ها براساس نظام معیار اسلامی.
- ۲۳- مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه جمعی و مهارت مورد نیاز جامعه.
- ۲۴- روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی و هنری زمینه‌ساز کار مولد.
- ۲۵- ارج نهادن به دستاوردهای علمی و تجربه‌های بشری در چارچوب نظام معیار اسلامی و بسترسازی برای دستیابی به مرجعیت علمی جهان.
- ۲۶- نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به عنوان عامل اثرگذار اجتماعی و مولد نیروی انسانی و سرمایه فرهنگی و معنوی جهت رشد و تعالی همه‌جانبه و پایدار و اعتلای فرهنگ عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی.
- ۲۷- مدرسه به عنوان کانون تعلیم و تربیت رسمی عمومی و محل کسب تجربه‌های تربیتی.

۲۸- تقویت شأن حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی و نظارت و ارزیابی ضمن مشارکت‌پذیری و کاهش تصدی‌گری غیرضرور در بعد اجرا با رعایت اصل عدالت.

۲۹- آینده‌پژوهی و پایش تحولات مؤثر بر تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور ایفای نقش فعال در مواجهه با چالش‌های پیش رو در عرصه‌های مختلف.

۳۰- جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های تعلیم و تربیت.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

همانطور که بیان شد، وزارت آموزش و پرورش مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام بخش فرهنگ عمومی و تعالی بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده نهادها و سازمانهای دولتی و غیردولتی است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: تحقق ارزشها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیرساخت‌های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. در واقع مراد از تحول بنیادین در آموزش و پرورش فراهم آوردن زمینه تحول عمیق ریشه‌ای همه جانبه، نظام مند و کل نگر، آینده نگر، مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی-ایرانی می‌باشد. یکی از مسائل مهم نظام نوین تربیت در کشور ما این است که نهاد‌های مختلف این نظام، طی مراحل بنیان‌گذاری و گسترش و تحول تاکنون، بر مبنای نظری مشخص و مدونی استوار نبوده‌اند تا بتوانند ضمن بهره‌مندی از دستاوردهای معتبر علمی، با نظام فکری و ارزشی معتبر و مقبول در جامعه اسلامی ایران و نیز با دیگر خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و بومی کشور، هماهنگ و سازگار باشند. امیدواریم مجموعه مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش که اینک پیش رو هست، به منزله چتر نظری بر تمامی سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان آموزش و پرورش سایه افکننده و زمینه دست‌یابی به آموزش و پرورش طراز جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورد. بی‌شک تحقق این هدف بزرگ و تعالی بخش، نیازمند همراهی و مساعدت تمام نهادها، دستگاه‌ها و سازمان‌ها و نیز کلیه دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت به ویژه مدیران و معلمان عزیز افتخار آفرین می‌باشد که امید است با استعانت از الطاف الهی، تحقق عینی یافته و برگ زرین دیگری به تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی افزوده شود.

### منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳.
۲. بذرافشان، مجتبی، شوقی، مریم، رحمان خواه، راحیل، جایگاه نظارت و راهنمایی تعلیماتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سال ۵، شماره ۲، ۱۳۹۴.
۳. بیانات مقام معظم رهبری ۱۲ / ۲ / ۱۳۸۵.
۴. بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۴.
۵. تحلیل جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، ۱۳۹۴، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۲۵.
۶. خبر داخلی، صفحه فرهنگی، جزئیات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آذر ۱۳۹۰.
۷. شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۴۹، ۱۳۹۰.

<sup>۱</sup> - خبر داخلی، صفحه فرهنگی، جزئیات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آذر ۱۳۹۰.

۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۱۳۹۰، ۲۹۹.
۹. صبحانی نژاد، مهدی، مقدم زاده، علی، نجفی، حسن، تبیین عوامل مفهومی فرهنگ ایثار و شهادت و تحویل آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، سال بیست و دوم، شماره ۱۳۹۴، ۲۵.
۱۰. عیسی پور، علی اصغر، دانشجوی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز همدان، بررسی و نقد تربیت دینی در ۱۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اولین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۱۱. فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۱۲. فیض، مهدی، مفهوم شایستگی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۴.
۱۳. گفتگو با احمد صافی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛ از تهیه تا اجرا، ۱۳۹۴.
۱۴. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۶۹، آذرماه ۱۳۹۰.
۱۵. مبانی نظری و فلسفه تعلیم و تربیت، آذر ماه ۱۳۹۰.
۱۶. مصطفی نژادیان، حمید، نگاهی بر «سند تحول بنیادین» آموزش و پرورش، ۱۳۹۴.

# A Discourse Analysis of the Fundamental Reform Document of Education

Ellahe Bagheri<sup>1</sup>, Farzaneh Bagheri<sup>2</sup>

1. *Bachelor in Elementary Education, , a Primary School Teacher, Iran.*
2. *Master in Educational Science, a Primary School Teacher, Iran.*

---

## Abstract

This research is a discourse analysis of the Fundamental Reform Document of Education of the Islamic Republic of Iran. Despite the great steps that have been taken over the past three decades to reconstruct the country's educational system based on pure Islamic thoughts and the ideals and approaches of the Islamic Revolution, our culture and education have continued to face serious challenges in responding to the basic needs and solving the social problems. The most important factor to transmit the Islamic culture and prepare students to have a clean life in all respects – so that the learners of this system can acquire the competencies needed to understand and reform the situation of their own and others based on the Islamic criteria, and the basic dos and don'ts with which all elements and components of the formal education system should be harmonious and which should be followed by all policy makers and practitioners are all values which are based on the teachings of the Holy Qur'an and the tradition of the Prophet Mohammad, the Constitution - the guidelines of the leader of the Islamic Republic of Iran, Imam Khomeini and the Supreme Leader and the general policies of the educational system reform. In fact, the Fundamental Reform Document of Education seeks to pave the way for a comprehensive, systematic, holistic and forward-looking reform and transformation based on the teachings of revelation and Islamic teachings and in accordance with the Islamic-Iranian culture. We have used a descriptive-analytical method in this study to achieve the goals.

**Keywords:** fundamental reform, discourse analysis, education, teacher

---